

ادامه از صفحه اول

به نظر می‌رسد تا کنون در زمینه «حکومت اسلامی» دو نوع بحث و کاوش به عمل آمده است: یکی بحث در موضوع خلافت و امامت و اینکه آیا مبنای حکومت نص است یا شورا؟ این همان بحث دامنه‌دار بین شیعه و سنی است که داغ‌ترین بحث‌های کلامی را تشکیل داده است. علت تکرار این بحث با این دامنه وسیع، همانا حساسیت آن در بین پیروان دو مذهب است. البته سیاست‌ها و حکومت‌هایی هم که از این اختلاف می‌خواسته‌اند بهره بگیرند، به آن دامن زده‌اند. نوع دیگر بحث راجع به حکومت اسلامی در میراث موجود در فقهی اسلام، همان بحث‌های سازنده موجود در کتاب‌های «احکام السلطانیة» و مباحث سیاسی موجود در کتاب‌های فقهی اهل سنت است اما نظر شیعه در این باره و پاره‌ای از این بحث‌ها در کتب متأخرین، یعنی از زمان صفویه به بعد که قدرت سیاسی به دست شیعه افتاد، در برخی از مسائل مانند: «اراضی خراجیه»، «احکام اهل کتاب» یا «اهل ذمه»، «جهاد با کفار»، «نماز جمعه»، «ملک مشروعیت سلطنت» یا «حکومت مشروطه» و نیز برخوردیهایی که بین فقها و سلاطین در پاره‌ای از مسائل سیاسی رخ می‌داد و از همه مشروح‌تر و اساسی‌تر مسئله «حدود اختیارات فقیه» و از جمله نظریه «ولایت مطلقه فقیه» که ظاهراً در اواخر عصر صفویه و اوایل قاجاریه به طور روشن و صریح در فقه مطرح شد. این مورد پیش از آن بحثی گنگ، نامفهوم و مجمل بود که تنها در کتاب‌های فقهی، در ابواب مختلف قضا، حدود و گاهی زکات و نمازجمعه به طور جنبی و به گونه ایما و اشاره دیده می‌شد. در عین حال باید سراغ آن را در کتاب‌های قدما گرفت تا دانسته شود چه کسی از فقه‌های شیعه اولین بار مسئله حکومت فقیه را خارج از چارچوب بحث‌های کلامی مربوط به امامت مورد بحث قرار داده است ولی باید اعتراف کرد که شئون حکومت و حاکم اسلامی از همان صدور اول اسلام در کتاب‌های فقهی و کلامی اهل سنت مطرح بوده و به بسیاری از زوایای آن پاسخ داده‌اند. هم اکنون در کتاب‌هایی که اخیراً در ایران در زمینه حکومت اسلامی انتشار یافته، از آن کتاب‌ها بهره برده‌اند. انصافاً پس از انقلاب اسلامی در بین شیعه به خصوص در ایران، در این زمینه خیلی کار شده است و مسلماً دیگر مسلمان‌ها اگر بخواهند بحث حکومت را دنبال کنند، بی‌نیاز از کارهای علمی اخیر شیعه نمی‌باشند.

آیا نظریه ولایت مطلقه فقیه - که به عنوان اصلی‌ترین محور در تئوری سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است - از نظر علمای اهل سنت هم مورد قبول است؟

اصولاً اصطلاح ولایت فقیه یک اصطلاح شیعی، آن هم در دو، سه قرن اخیر است. در گذشته اهل سنت از شرایط حاکم اسلامی یا خلیفه، عالم بودن و گاهی فقیه بودن را ذکر می‌کردند، بدون قید ولایت. در عین حال برای حاکم اسلامی اختیاراتی ذکر می‌کردند که با «ولایت مطلقه فقیه» در حدود نص کتاب و سنت تطبیق می‌نماید. مثلاً اخذ زکوات، ولایت بر ایاتام، نصب قضات و ائمه جمعه و جماعات، فرمان جنگ و صلح و تمامی امور مربوط به حکومت و شرح آن، در کتاب «احکام السلطانیة» آمده است، بنابراین در پاسخ به سؤال بالا باید گفت: اهل سنت برای حاکم اسلامی اختیارات زیادی قائل هستند که تا حدودی با «ولایت مطلقه فقیه» انطباق دارد ولی نه به عنوان «ولایت فقیه» بلکه به عنوان «اختیارات حاکم».

نقش امام خمینی(ره) را در احیای تفکر

دینی در جوامع اسلامی و روی آوردن اندیشمندان جهان اسلام به بررسی مسائل سیاسی از دیدگاه این آیین مقدس چگونه تحلیل می‌کنید؟

در این خصوص مقاله‌ای از اینجانب با عنوان «امام خمینی و احیای تفکر دینی» در کتاب «امام خمینی و انقلاب اسلامی» از سوی «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی» چاپ شده است. من در آن مقاله جوانب مختلف تأثیر امام در احیا و تجدید فکر اصیل اسلامی را بازگو کرده‌ام. نخست به تعریف و ذکر مزایای اسلام اصیل - که از یاد رفته - پرداخته‌ام و هشت مزیت را یادآور شده‌ام که یکی از آنها، تشکیل حکومت بر اساس مقررات اسلام است و آنگاه نقش امام را در احیای یک یک آن مزایای فراموش شده، یاد کرده‌ام. خلاصه آن مقاله چنین است:

در گذشته در خانه، مدرسه و جامعه، اسلام را در اصول و فروع به گونه‌ای مطرح می‌کردند که هر چند حق و درست بود ولی معرف چهره اسلام به آن صورتی که ظهور کرده، نبود. امام اسلام را در چهره یک مکتب و یک امت با مشخصات زیر مطرح کرد: ۱. وحدت، ۲. جهاد اعدا، ۳. امریه معروف و نهی از منکر، ۴. امت خیر، ۵. مسئولیت متقابل، ۶. فکر اصلاح، ۷. غیرت اسلامی و ۸. حکومت بر اساس دین.

امام در حوزه‌های علمیه ایران و بعداً در نجف، حدود نیم قرن قبل موفق شد نسلی از فضلا، مجتهدان و مدرسان را با این فکرتربیت کند که مفهوم امت واحده اسلام را درک کنند. اسلام را به عنوان یک مکتب، وظیفه مسلمین در برابر کل مسلمان‌های جهان وظیفه تشکیل حکومت اسلامی، وظیفه اهتمام به امور مسلمانان، فکر اصلاح و احساس مسئولیت متقابل و از همه بالاتر غیرت اسلامی و این قبیل مطالب را کاملاً بفهمند و خود را برای انجام این وظایف مهم آماده بسازند. اگر این توفیق حاصل نمی‌شد و وی این خیل از فضلا را تربیت نکرده بود، کسی نبود که اسلام ناب محمدی را برای مردم تبیین کند، مردم را از خواب غفلت بیدار نماید و امتیازات فراموش شده اسلام را به یادشان بیاورد. امام پس از این توفیق پیدا کرد حکومت اسلامی را به کمک همان شاگردان مخلص برقرار سازد و برای بقای آن چند کار اساسی دیگر انجام داد:

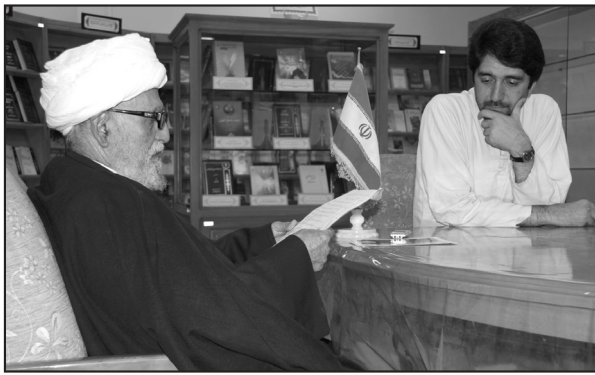
اول: نماز عبادی سیاسی جمعه که به طور کلی از یاد رفته بود.

دوم: حج ابراهیمی و برائت از مشرکین.

سوم: مسئله استقلال مسلمین در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چهارم: مسئله فلسطین که من کسی را ندیدم مانند او خطر اسرائیل را عمیقاً درک کرده و آن را جدی بگیرد و تا این اندازه نسبت به آن حساس و دردمند باشد.

امام با طرح این مباحث در دنیای اسلام و ورود علمی به میدان سیاست و مبارزه، اسلام را با این ابعاد زنده در دنیا مطرح و وارد وجدان خفته مسلمین کرد و با بانگ بیدارباش، آنها متوجه مسئولیت‌های خود ساخت. قشر متفکر جهان اسلام هم با فریاد امام خمینی، همراه با این موج عظیم بیدار شد و به ابعاد سازنده اسلام روی آورد.

موضوعی که امروزه در جوامع علمی و فرهنگی مطرح می‌شود رابطه ولایت فقیه و حق حاکمیت ملی است، به نظر شما آیا ولایت فقیه مشروعیت خویش را از رأی و بیعت مردم کسب می‌کند یا بیعت مردم فقط تعیین مصداق می‌کند؟



مشروعیت ولایت فقیه، با امر و اذن امام و مشروعیت ولایت امام و پیغمبر با فرمان خداوند است. اصولاً از دیدگاه اسلام، جز خدا اولاً و بالذات، کسی از بشر بر دیگری ولایت ندارد. همه انسان‌ها در عرض هم تحت ولایت و فرمان خداوند و حاکمیت تنها از آن اوست و این خداست که مراتب ولایت را از انبیا و اوصیا گرفته تا ولایت فقیه و با سلسله مراتب ولایت تا پایین‌ترین کارگزار که به واسطه یا بلاواسطه از سوی پیغمبر و امام یا فقیه به کاری گمارده شده است، جعل می‌کند. ولایت به معنی عام خود (حق امر و نهی) در حدود اختیارات تفویض شده، در همه مراتب جاری و ساری است و همه مراتب آن ناشی از ولایت خداوند است: «له الخلق والامر» بنابراین هر مرتبه از ولایت که با سلسله مراتب به ولایت حق متعال منتهی گردد، مشروع است والا فلا و این مطلب کلی، مورد اتفاق فقه‌های اسلام اعم از شیعه و سنی است. هر کس قائل به حکومت اسلامی نیابتاً از پیغمبر است، قاعدتاً باید به همین حرف قائل باشد، حتی آنان که حکومت را امری دینی نمی‌دانند بلکه امری اجتماعی و مردمی دانسته‌اند، باز هم اجازه و مشروعیت اقدام به تشکیل حکومت را باید از سوی خدا بدانند، ولی نه به عنوان نیابت و خلافت از پیغمبر اسلام، بلکه به عنوان یکی از کارهای مباح دیگر که اصل اباحه را از شرع کسب می‌کنند.

پس از روشن شدن این اصل کلی، حال می‌رویم سراغ پاسخ سؤال که آیا مشروعیت ولایت فقیه ناشی از شرع است یا از بیعت و رأی مردم؟ پاسخ آن است که اصل کلی مشروعیت حاکم اسلامی بنا بر همه اقوال و دیدگاه‌ها ناشی از خداست.

مشروعیت حکومت اسلامی - که با سلسله مراتب به خدا می‌رسد - به عنوان نیابت از خدا مسلماً ناشی از شرع است، زیرا کسی بدون اذن خداوند نمی‌تواند خود را ولی از سوی خدا بداند، حتی اهل سنت که در تعیین خلیفه مٔکی به رأی و شورا هستند نه به نص، خلیفه را جانشین پیغمبر و ولی از سوی خدا می‌دانند که مردم او را مشخص کرده‌اند، در حالی که قائلین به نص، علاوه بر اصل مشروعیت حکومت امام از سوی خدا، تعیین شخص او را هم به فرمان خدا می‌دانند و نه به رأی مردم. در عصر غیبت قائلین به نص، مشروعیت حکومت فقیه را مستند به اذن امام می‌دانند که تنها صاحبان ولایت را با اوصاف تعیین کرده و فرموده است: «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه مخالفاً لهواه و مطیعاً لأمرو موله»، و نه با تعیین شخص. لهذا از آن تعبیر به «نیابت عامه» می‌کنند در قبال «نیابت خاصه».

نیابت خاصه در ایام حضور و در برهه‌ای از عصر غیبت در مورد اشخاص صدق می‌کرده است که دارای اختیارات محدود بودند نه اختیار تشکیل حکومت، مانند «نواب اربعه» و پیش از آن، افراد دیگری که نایب ائمه بودند در ولایات دور و نزدیک. زیدیه هم مشروعیت ائمه خودشان را که

«حکومت اسلامی و ولایت فقیه نزد دیگر مذاهب اسلامی» در گفت‌و شنود با آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی

از نسل حسن و حسین و فاطمه (علیهم‌السلام) اند، با تعیین صفات از سوی شرع می‌دانند: «کل فاطمی فقیه عادل قائم بالسیف». به هر حال بنا بر نیابت عامه فقیه از امام، اصل مشروعیت با ذکر صفات از سوی امام است ولی تعیین اشخاص قهراً با تشخیص مردم است، طبق ضوابط خاص که شارع فرموده است. حال اگر مردم کسی را مصداق آن صفات تشخیص دادند و بر آن شخص اتفاق نظر پیدا کردند، او موظف است قیام به امر حکومت بکند، نه به عنوان نیابت از مردم، زیرا مردم ملاک مشروعیت حکومت او نیستند، بلکه به عنوان نیابت از امام که مردم هم به فرمان امام و با ضوابط وی سراغ او رفته و تعیین مصداق کرده‌اند. به هر حال مشروعیت حکومتش را از شرع گرفته و مردم صرفاً تعیین‌کننده مصداق هستند، نظیر تعیین یک قاضی یا یک امام جمعه و بسیاری از وظایف دیگر. در اینجا من شخصاً نظر دیگری دارم که کمی با آنچه گفته شد فرق دارد ولی به لحاظ اینکه تبیین آن به نحوی که مراد فهمیده شود، نیاز به بحث مفصل دارد، عجلاناً از ذکر آن صرف‌نظر می‌کنم.

از منظر جنابعالی، دستاوردهای قانون اساسی جمهوری اسلامی در ارائه یک طرح منسجم حکومتی کدامند؟

به نظر من قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کامل‌ترین طرحی است که پیرامون حکومت اسلامی از دیدگاه شیعه و حتی با مختصر تفاوتی، از دیدگاه دیگر مذاهب اسلامی، می‌توان ارائه داد که رؤس آن به طور خلاصه از این قرار است:

۱. جمع بین حکومت الهی و رأی مردم، چیزی که هنوز هم نزد برخی مشکل می‌نماید.
۲. حاکم کردن ولایت فقیه در تمامی کارهای کلیدی با حفظ استقلال مسئولان.
۳. نحوه کنترل قوانین وضعی توسط مجلس شورای اسلامی یا دیگر ارگان‌ها به وسیله شورای نگهبان، از لحاظ عدم سازش با موازین شرع و قانون اساسی.

۴. حل بن بست پاره‌ای از قوانین ضروری با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت.

۵. حل مشکل مشاوران رهبری که به نص قرآن حتی برای رسول اکرم یک وظیفه است با ایکال آن به مجمع تشخیص مصلحت در تشکل جدیدش، توسط مقام معظم رهبری.

۶. باز کردن راه فعالیت‌های اقتصادی در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی.

۷. تعیین حدود اختیارات دولت اسلامی و اموال عمومی و دولتی بر اساس فقه.

۸. رسمیت دادن به مذاهب اسلامی و ذکر آنها در متن قانون و تعیین حدود آزادی آنها با حفظ اصالت مذهب جعفری در قانون اساسی ایران.

۹. موازنه قدرت و تقسیم صحیح آن میان ارکان اصلی حکومت.

۱۰. تأکید بر گسترش فرهنگ عمومی، اخلاق، معنویات، حس رابطه با کشورهای اسلامی و اقلیت‌های دینی و اتخاذ موضع حکیمانه در سیاست خارجی.

مسئله تعدد مذاهب در برخی کشورها موضوعی است که اداره جامعه را بر اساس فقه اسلامی با مشکل روبه‌رو می‌کند. راه حل موضوع از منظر تقریبی چیست و تجربه جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ادامه در صفحه بعد

در ائتّحاد است و مادام که مسلمین جاهل و از دنیا و از یکدیگر بی خبرند این مقصود حاصل نمی‌شود، خاصّه آن زمان که مردم وسیله آگاهی نداشتند. اگر امری در مصر اتفاق می‌افتاد سالی می‌گذشت و اهل ایران خبر نمی‌شدند. افغانها و حتی ایرانی‌های آن زمان از وجود مراکش و تونس آگاه نبودند تا چه رسد به اینکه بدانند آنها چه کسانند و در چه حالند. با این وصف چگونه ممکن بود مسلمانان بتوانند متحد شوند؟ فرضاً که متحد می‌شدند با آن بی‌اسبایی و بی‌استعدادی چه می‌کردند و چگونه در مقابل اروپاییان عرض وجود می‌نمودند؟ اصل خرابی کار ملل اسلامی از سوء اداره امور داخلی و فساد اعمالشان است. پس این فکر مفید نبود، سهل است، ضرر هم داشت. زیرا هم صورت نمی‌گرفت هم اروپاییان را که هوشیار و مراقب کار بودند متوجه می‌ساخت که باید جلوگیری کرد و اهتمام ایشان را در ذلیل کردن مسلمین قوّت می‌داد. از این گذشته برای دفع شرّ انگلیس به روس تکیه کردن از مار به عقب پناه بردن بود.

اما مجادله قلمی ارزست رنان و سیّد جمال‌الدین تحقیقش مفصل است. به عقیده من آن دو بزرگوار هیچ‌یک حق مطلب را ادا نکرده‌اند و اشتباهات داشته‌اند و من آن گفتگوها را به فارسی درآورده‌ام و عقاید خود را نیز در آن باب اظهار کرده‌ام، ولی چون مفصل است اینجا گنجایش ندارد. (۱)

به هر حال سیّد جمال‌الدین را چون از اینجا راندند به استانبول رفت و چندی آنجا به احترام زیست و در سال ۱۳۱۴ در شصت سالگی درگذشت و گفتند از مرض سرطان مرد، ولی گمان هم بردند که مسمومش کرده باشند، نظر به اینکه مایه قتل ناصرالدین‌شاه شده و خطرناکش یافتند و این مستبعد نیست؛ زیرا که سلطان عبدالحمید عثمانی خیلی بیش از ناصرالدین‌شاه اهل این کارها بود.

(۱) نوشته فروغی در این باب در محدوده جستجوی نگارندگان یعنی در میان اسناد چاپی و خطی موجود یافت نشد.

داشت ولی تدریجاً با سمپاشی‌های حاکمان و عالمان مسلمان و استکبار غرب و به خصوص نشر اکاذیب و اتهاماتی به مذهب شیعه، موضع علما، جمعیت‌ها و حرکت‌های اسلامی در قبال امام و انقلاب، اندکی تعبیر یافته است. مگر در نقاطی که هنوز دست نخورده باقی مانده است و موج شایعات و تبلیغات سوء به گوششان نرسیده است. آنان همچنان بر حسن نظر خود باقی هستند و ما باید این نقاط را دریابیم، والا مثلاً در مصر طبق یک نوشته که قبلاً گفتم، ۱۰ جمعیت اسلامی مهم وجود دارد که تنها یکی از آنها به انقلاب ما حسن نظر دارند مابقی مواضع دیگری دارند. یکی از مشکلات انقلاب ما آن است که دیدگاه‌های سخنگویان انقلاب، در نشر مذهب تشیع و نحوه گسترش و معرفی آن، کاملاً متفاوت است. بیشتر خط‌مشی آنها حاکی از آن است که انقلاب، بر خلاف گفته امام، اسلامی نیست بلکه شیعی است و بسیار کسان هستند که سعی دارند در خارج مبانی خاص شیعه را نشر دهند که با عکس‌العمل‌های تند روی روبرو می‌شوند.

شرح این داستان مفصل است و نیاز به تدوین یک رساله یا کتاب دارد تا معلوم شود من چه می‌خواهم بگویم و اینکه تفاوت میان اظهارات اولیه امام و انقلاب و روش‌های اتخاذ شده از سوی عده‌ای از سخنگویان و نویسندگان، از زمین تا آسمان است.

منبع: روزنامه جوان

از خاطرات منتشر نشده محمدعلی فروغی درباره سید جمال

ضرب و شتم نمودند که برای ناصرالدین‌شاه گران تمام شد و این در زمستان ۱۳۰۸ قمری بود.

درباره سیّد جمال‌الدین در زمان حیات و هم پس از وفاتش عقاید مختلف اظهار شده است. من به سخن‌های مردم از نیک و بد اعتماد ندارم، خودم هم ممیّز نبودم که بتوانم درباره او حکمی از روی بصیرت بکنم. اما پدرم در حق او اعجاب داشت و او آدم‌شناس بود. در تأثیر نفس سیّد هم شکی نیست؛ چنانکه میرزا رضا را کاملاً مسخّر کرده بود(....)

غلام سیاهی داشت که در مصاحبت او دارای افکار نغز شده بود و به یاد دارم که روزی که به دیدنش رفته بودیم آن غلام حاضر نبود. پدرم که او را در سفر اول شناخته بود احوالش را از سیّد پرسید. سیّد در ضمن جواب او را فیلسوف طبیعی وصف کرد. مسخّر کردن میرزا رضا و غلام سیاه که مردمانی عادی و عامی بودند شاید چندان محل اعتبار نباشد، ولیکن اعتقاد تامّ شیخ محمد عبده مصری و حسن عقیده ارزست رنان درباره او دلیل بر این است که تأثیر نفس سید تنها در عوام نبوده است و نیز نمی‌توان شک کرد که وجودش در تغییر احوال مسلمین مدخلیّت تمام داشته است، ولی باید گفت ای کاش کمتر به سیاست و بیشتر به تربیت مسلمین می‌پرداخت؛ زیرا می‌بینیم امروز هم بعد از شصت هفتاد سال که اوضاع دنیا تغییر فاحش نموده و چشم و گوش مسلمانان بسی بازتر شده، هنوز قابل نیستند که سیاست صحیح داشته باشند و در مقابل اروپاییان بتوانند قد علم کنند. فکر ائتّحاد اسلامی که بعضی از خیرخواهان دیگر عالم اسلام نیز پخته‌اند مخصوصاً خیال خامی بود. چه اولاً در تمام دوره تاریخ هیچ وقت ندیده‌ایم که دین مایه ائتّحاد اقوام و ملل مختلف شود.

آیا اروپاییان که همه مسیحی هستند متّحدند؟ اختلافات دینی و مذهبی غالباً بهانه برای اغراض شخصی و دنیوی است و اگر اختلافات قومی و اغراض دنیوی بود یقیناً این اندازه اختلافات دینی و مذهبی میان مردم پیش نمی‌آمد. با وجود اغراض فردی یا قومی اختلاف دینی هم که نباشد اختلافات دیگر تولید می‌شود. آیا مایه اصلی اختلاف شیعه و سنی عقیده قلبی است؟ ائتّحاد مسلمین اگر صورت‌پذیر باشد وقتی می‌شود که از روی علم و عقل تشخیص دهند که مصالحشان

نقش تقریب مذاهب را در نزدیک‌سازی دیدگاه‌های فعالان حرکت‌های اسلامی و جلوگیری از بروز تفرقه و جدایی در صفوف آنان بیان کنید.

یکی از مهم‌ترین آفات و خطرات بیداری اسلامی و خیزش سریع حرکت‌های اسلامی در عصر حاضر، همانا تفرقه و اختلاف در خط‌مشی و در برداشت آنها از اسلام است و مجمع جهانی تقریب، با طرح مسائل مهم اختلاف خیز، هر سال در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی و دیگر کنگره‌هایش در جلوگیری از تحقق همین خطر تلاش کرده است. اگر حرکت‌های اسلامی موجود در جهان اسلام را آزاد بگذاریم و به آنها خط ندهیم و دیدگاه‌های آنها را در خط‌مشی سیاسی و نظام حکومت اسلامی - که تقریباً آرمان همه آنهاست - به هم نزدیک نسازیم، حتماً فاجعه به بار خواهد آمد.

حضرتعالی سفرهای بسیار به کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی داشته‌اید و با علما، اندیشمندان و رهبران سیاسی و اجتماعی مسلمان دیدار و گفت‌وگو کرده‌اید. میزان استقبال آنان از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی و جایگاه انقلاب اسلامی در میان این جوامع و انتظاراتی را که از نظام ما دارند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دیدگاه اول، نظر همه مثبت است. برای امام و انقلاب احترام قائلند و انتظار دارند این انقلاب مشکلات جهان اسلام را حل کند. البته این نظر بدوی است و در اول انقلاب تقریباً عمومیت

که منزل ما آمد من به خانه خویشاوندان رفته بودم و او را ندیدم و از این جهت بسیار متحسر شدم.

سفر دوم که آمد به پدرم گفتم: البته باید مرا به فیض دیدار او برسانید. پدرم که شیوه‌اش همین بود روزی مرا به دیدن او برد. در این سفر هم مانند سفر اول در ایّام اقامت طهران در خانه حاجی محمد حسن امین‌الضرب که معتبرترین تجّار طهران بلکه ایران بود منزل داشت. وقتی ما آنجا وارد شدیم تنها بود و غیر از میرزا رضای کرمانی که در واقع خادم بود و بعد قاتل ناصرالدین‌شاه شد کسی حضور نداشت. چند نمره روزنامه فرانسه برای او برده بودیم و به او تقدیم کردیم. خیلی با من ملاطفت نمود و با پدرم گرم صحبت شد. من البته استعداد نداشتیم که همه بیانات او را بفهمم. چیزی که به خاطر دارم این است که تحقیق می‌کرد در اینکه جهال در تعلیل امور غالباً به اشتباه می‌افتند. مثلاً در این اطاق آتش می‌سوزد و فضا را گرم کرده است (زمستان بود)، اتفاقاً مقداری هم یخ در گوشه اطاق گذاشته‌اند. کسی که محقق نیست بسا هست که گرمی اطاق را منتسب به یخ می‌کند و عکس آنچه را باید معتقد می‌شود. خلاصه رساله‌ای در دست داشت. مقداری از آن را برای پدرم خواند.

مطلب کتاب کلبه هندی برناردن دو سن پیر را گرفته موضوع تحقیق قرار داده بود و شوق ترجمه کلبه هندی از آن جهت به سر ما زد. یک روز هم به خانه ما آمد و یاد دارم که پدرم از او پرسید: حکیم معتبر امروز در فرانسه کیست؟ ارزست رنان را نام برد که خود با او مجادله قلمی کرده بود. باری سید در سفر اول که به ایران آمد افسرده و مأیوس مراجعت کرد. چون ناصرالدین‌شاه به اروپا رفت، آنجا او را ملاقات و به طهران دعوتش کرد. او به امید اینکه بتواند کاری صورت دهد آمد و با رجال ایرانی ملاقات و مذاکرات کرد، اما گفتگوهایش مطلوب نبود. بنابراین شاه پشیمان شد و از ماندن او در ایران بیمناک گردید.

اشاره کردند که باید بروی او این دفعه نمی‌خواست به آسانی دست بردارد. چون از امنیت خود در طهران نگران شد به حضرت عبدالعظیم رفت و در مقابل صحن خانه گرفت و شبی پدرم مرا آنجا برد. با هم مدّتی گفتگو کردند. اما آهسته سخن می‌گفتند و من دور بودم و ندانستم چه گفتند. چند ماه هم آنجا به سر برد. عاقبت چون دیدند به اختیار نمی‌رود به اجبار روانه‌اش کردند و رفتاری ناهنجار از

می‌تواند به دیگری واگذار کند، کما اینکه مسئله تفکیک قوا به صورت‌های دیگر هم امکان دارد ولی در اصل، همه اینها از وظایف مشخص رهبر است که جانشین پیامبر و امام است و شاید در خلال تجربه‌های ممتد، در شکل نظام تدریجاً تغییراتی ضرورت پیدا کند. همانطور که در متمم قانون اساسی، پست نخست‌وزیری و نظام شورایی در امر قضاوت و شورای رهبری به صورت مذکور در قانون اساسی سابق حذف شد. از این قبیل تغییرات باز هم امکان ظهور دارد.

موج «بیداری اسلامی» امروزه از شرق آسیا تا جنوب آفریقا و حتی کشورهای اروپایی و غربی را نیز فراگرفته است. ارزیابی حضرتعالی از روند رو به گسترش این حرکت چیست؟

بدیهی است که بخشی از این حرکت، ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بخش دیگر با لون و رنگ انقلابی، ناشی از شکست نظام‌های حاکم بر غرب و شرق و بر کشورهای اسلامی و عقبگرد مسلک الحاد و مادیت و نیز خستگی دنیا از رواج فساد، بی‌دینی، بی‌قیدی و لایبالی‌گری در جوامع به اصطلاح «متمدن» است. مسلماً قرن بیست‌ویکم میلادی، قرن معنویات و ادیان است. همچنان که قرن بیستم، قرن آرا و اندیشه‌های مادی و الحاد و قرن نوزدهم قرن صنعت و علم بود. این وظیفه مسلمان‌هاست که تشکیلات خود را متناسب با قرن بیست‌ویکم کامل و خود را مهیای پاسخ گفتن به نیازهای این قرن کنند.

محمدافشین وفاپی، پژمان فیروزبخش نوشته پیش رو بخشی است از کتاب خاطرات محمدعلی فروغی، به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ شمسی که به زودی توسط گنجینه پژوهشی ایرج افشار و انتشارات سخن انتشار خواهد یافت. (روشن است که مرحوم فروغی هر قضیه‌ای را با توجه به دیدگاه‌های درست و نادرستی که خود بدان باور داشته تحلیل کرده است.)

از وقایع مهم زمانی که به آن رسیده‌ایم مسافرت سیّد جمال‌الدین معروف به افغان است به ایران که در سال ۱۳۰۷ قمری واقع شد. سیدجمال‌الدین که از رجال بزرگ اسلامی در سده نوزدهم میلادی و سیزدهم هجری است از علما زادگان اسدآباد همدان بود. پس از تحصیلات معمولی ایرانی به ممالک خارجه رفت و با نظر عمیقی که در امور عالم می‌کرد به قدرت و شوکت اقلایم اروپا و ضعف و نکبت ممالک اسلامی متوجه شد و چون سری پرشور داشت بنابراین گذاشت که افکار مسلمین را به هیجان آورد تا چاره کار خود را بییندیشند. اکثر اوقات را در ممالک خارجه مخصوصاً خاک عثمانی و مصر که آن زمان آن هم جزء خاک عثمانی قلمداد می‌شد به سر برده و در مصر مخصوصاً وجودش تأثیر تام بخشیده است. محقق و مدقق بود و نطق و بیانی آتشین و جذاب داشت. هر چند به همه طریق مسلمین را ارشاد می‌کرد لیکن بیشتر به سیاست توجه داشت و در واقع رجل سیاسی بود و اهتمامش در اینکه مسلمین همه متحد شوند و اختلافات را از میان بردارند تا بتوانند خود را از تحت اقتدار اروپایی‌ها بیرون آورند.

چون میدان عملش خاک عثمانی بود و مردم آنجا و همچنین اکثر ممالک اسلامی اهل تسنّن می‌باشند برای اینکه متوجه تشیّع او نشوند و سخنشن از تأثیر نیفتد ایرانی بودن را پنهان کرد و خود را افغان نامید. حتی اینکه در خارجه متوجه سیادت او هم نبودند و بیشتر او را شیخ جمال‌الدین می‌خواندند. باری شرح حال سیّد نوشته شده و اینجا حاجت به تکرارش نیست. من فقط در قسمتی که خودم شاهد بوده‌ام اجمالاً وارد می‌شوم. آن اوقات سیدجمال‌الدین دو سفر به ایران آمد. سفر اول (در ۱۳۰۴) من خردسال بودم، اما پدرم که با او دوست شده بود صحبتش را بسیار می‌کرد و با عالم طفولیت شوق ملاقاتش را داشتم. اتفاقاً روزی

ادامه از صفحه قبل

قانون اساسی، میزان کلی قوانین را مذهب شیعه که مذهب اکثریت ملت است قرار داده، اما ضمن تصریح به احترام سایر مذاهب معروف اسلامی، آزادی پیروان آنها را در عبادات، احکام و اموال حقوقی، آموزشی، دادگستری، انتخابات مجلس و تصدی پست‌های خرد و کلان تضمین کرده است. به نظر من این راه حل مناسبی است.

یکی از موضوعات قابل بررسی در زمینه تئوری سیاسی اسلامی، شکل حکومت است که در ایران در قالب «جمهوری اسلامی» تحقق یافته و تفکیک قوانین زیر نظر مقام رهبری پذیرفته شده است. به نظر حضرتعالی آیا این تنها شکل ممکن برای نظام اسلامی است یا اینکه می‌توان اصول ارزشی و سیاسی اسلام را در قالب‌های دیگری نیز پیاده کرد؟

خیر، شکل حکومت منحصر به آنچه در نظام جمهوری اسلامی آمده نیست، حتی می‌توان گفت با پیش‌بینی ولایت فقیه در قانون اساسی، نظام ما به هر نامی که نامیده شود، در حقیقت نظام ولایت فقیه است. در قانون اساسی، مثلاً از بیعت با رهبر و لزوم مشورت او با مشاورین ذکر صریحی به میان نیامده است و ممکن بود هیئت مشاوران رهبر پیش‌بینی شود، کما اینکه امکان تصدی ریاست دولت توسط رهبر هم وجود دارد. همانگونه که در نظام امامت و نظام خلافت هم وجود داشته است، منتها رهبر وظیفه اجرایی را

ادامه از صفحه اول

متن آن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

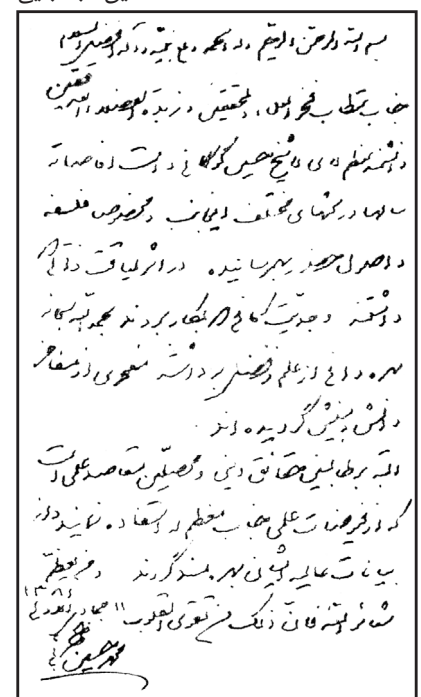
و له الحمد و علی نبیه و آله افضل السلام

جناب مستطاب فخر العلماء المحققین و زبدة الفضلاء المدققین، دانشمند معظم آقای آقا شیخ حسین گوگانی دامت برکاته، سال‌ها در بحث‌های مختلف این جانب و مخصوصاً فلسفه و اصول، حضور به هم رسانیده و در اثر لیاقت ذاتی که داشتند و جدیت کافی که به کار بردند. بحمدالله سبحانه. بهره وافر از علم و فضل را داشته، مفخری از مفاخر دانش و بینش گردیده‌اند.

البته بر طالبین حقایق دینی و محصلین مقاصد علمی است که از فیوضات علمی جناب معظم له استفاده نمایند و از بیانات عالی‌ه ایشان بهره مند گردند. «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب».

۱۱ جمادی الاولی ۱۳۸۱

محمد حسین طباطبایی



دستخط مرحوم علامه طباطبایی

در مراحل تکاملی، مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم در نجف اشرف، طی مکتوبی، وصول ایشان به مرتبه «اجتهاد» را بیان می‌کند که متن آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

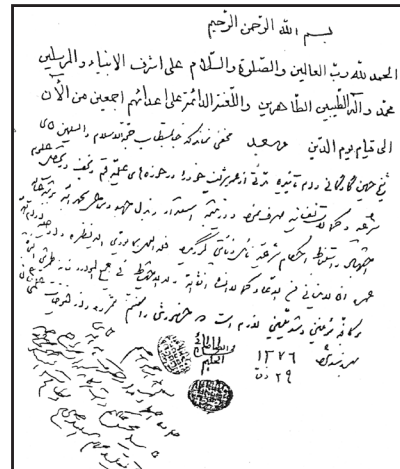
الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین محمد و آله الطیبین الطاهرین و اللعنه الدائمة علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین و بعد مخفی نماند که جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ حسین گوگانی دام تاییده مدتی از عمر شریف خود را در حوزه‌های علمیه قم و نجف در تحصیل علوم شرعیه و کمالات نفسانیه صرف نموده و در نتیجه استعداد و بذل جهد و مساعی بحمدالله به مرتبه عالی اجتهاد و استنباط احکام شرعیه نائل و... گردیده فله العمل بما یوئذ الیه نظره و. اوصیه ادام الله عمره آن لایسناسی من الدعاء كما لا انساه انشاء الله و له الاحتیاط فی جمیع الموارد فانه طریق النجاة. بر کافه مؤمنین و متدینین لازم است که حضورش را مغتنم شمرده و از فیوضات علمی‌شان بهره‌مند شوند.

محسن الحکیم طباطبایی

۱۳۷۶. ۲۹ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم به اجتهاد که از حضرت آیت الله آقای آقا سید محسن حکیم دامت برکاته که از مراجع تقلید مهم هستند صحیح و مطاع است.



اجازه اجتهاد از آیت الله حکیم

همکاری با نهضت

با آغاز مبارزات مرجعیت و علمای عظام بر ضد قوانین ضد اسلامی رژیم شاه و همکاری علمای بلاد، از جمله تبریز، در آن حرکت، آیت الله گوگانی، یکی از فعالان عرصه بود و در امضا و توزیع اعلامیه‌های علمای تبریز، نقش ویژه‌ای داشت که یکی از آن اعلامیه‌ها، تلگرافی به امام خمینی در دوره حصر بود که متن آن چنین است:

تهران. شماره ۳۰۶. وسیله ریاست

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای

خمینی مرجع عالیقدر تقلید

رونوشت: حضرت آیت الله محلاتی

رونوشت: حضرت آیت الله قمی

دامت برکاتهم

روحانیون شهرستان‌های ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تأثر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستان‌ها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرتعالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موقوفیت شما را برای اعلای کلمه اسلام از خداوند متعال خواستاریم.

الحاج بحر العلوم الرشتی. الحاج سید محمود



یادی از عالمی مبارز؛ آیت الله شیخ حسین گوگانی

سید هادی خسروشاهی

یکی از سفرها به ترکیه، که به دعوت آقای رجب طیب اردوغان، برای حضور در سمینار علامه اقبال لاهوری به استانبول رفته بودیم، آیت الله گوگانی یکی از سخنرانان اجلاس بود... آقای رجب طیب اردوغان که در آن ایام شهردار استانبول بود، برخورد محترمانه‌ای با ما داشت و از اینکه در آن سمینار شرکت کرده ایم از ما تشکر نمود. (گزارش این سفر و متن سخنرانی اینجانب در سالیانی قبل، در روزنامه اطلاعات منتشر شده است).

در سفر دیگری که همزمان با هفته وحدت بود، چندین مجله و روزنامه با ایشان و اینجانب مصاحبه به عمل آوردند که مصاحبه مشروح ایشان با برادر ارجمندمان «نورالدین شیرین» در روزنامه «الاتحاد» با عنوان: «اعمال اختلاف بین مسلمانان، خائن هستند» منتشر گردید. در ضمن آن مصاحبه آمده است:

«وحدت بین مسلمین، به مفهوم ادغام شیعه و سنی در یکدیگر نیست بلکه وحدت به معنی آشنایی برادران سنی و شیعه از افکار و عقاید و اجتهادات یکدیگر است تا با شناخت دقیق، به مخالفت با یکدیگر نپردازند و در مقابل دشمنان بتوانند استقامت داشته باشند...»

عنوان مصاحبه در صفحه اول و بقیه مطالب در صفحه ۱۵ روزنامه درج و منتشر شده است.

نورالدین شیرین مصاحبه مبسوطی هم با اینجانب درباره حرکت‌های اسلامی معاصر در جهان اسلام به عمل آورد و در همان روزنامه در یک صفحه کامل منتشر ساخت... و متأسفانه همان ایام او به علت فعالیت‌های وحدت طلبانه، با توطئه دشمنان بازداشت شد و پس از یک محکمه قلابی به پنج سال زندان محکوم گردید... و به زندان رفت...

تبعید به تبریز!

خاطره شیرینی از دوران مبارزات هست که نقل آن بی مناسبت نیست: پس از دستگیری امام خمینی و انتقال ایشان به زندانی در تهران، طبق تصمیم مراجع عام قم و مشهد و حضور آنان در تهران برای دفاع از امام خمینی در مقابل رژیم، علمای بلاد هم، از سراسر ایران بنا به دعوت مراجع، به تهران آمدند.

از تبریز هم آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی، آیت الله سید احمد خسروشاهی، آیت الله سید یوسف حکم آبادی، آیت الله شیخ حسین گوگانی و آیت الله شیخ حسین اهری و آیت الله

سید مهدی دروازه‌ای، همانطور که در تلگرافشان آمده، به تهران آمدند و در اجتماعات «باغ ملک» حضرت عبدالعظیم، شرکت نمودند...

روزی در یکی از اطاق‌های باغ ملک با عده‌ای از علماء نشست بودیم که سرهنگ رحمانی، رئیس ساواک شهری، بدون سلام و مراعات ادب ظاهری، وارد اطاق شد و گفت:

دستور است که آقایان باغ ملک و یا اقامت در شهری را ترک کنند و به شهرهای خود برگردند... علمای بزرگسالی در جلسه حضور داشتند و سکوت کردند. من گفتم: جناب سرهنگ! این دستور را کی داده است؟ گفت: تیمسار ریاست کل سازمان امنیت! من گفتم ما بنا به دستور مراجع عظام به اینجا آمده ایم و فقط به دستور آنان این منطقه را ترک می‌کنیم! با عصبانیت گفت: نتیجه این سخن را خواهید دید! و از اطاق خارج شد... یکی از علمای محترم. رحمه الله. به من گفت: شما

ضیابری الرشتی. حسین الموسوی الخادمی اصفهانی. علی ابن ابراهیم همدانی. مرتضی الحائری. روح الله کمالوند. حاج سید حسین رودباری رشتی. الاحقر علی اصغر صالحی کرمانی. نصرالله الموسوی بنی صدر همدانی. الاحقر عبدالله مجتهدی تبریزی. محمود علوی شیرازی. الاحقر سید یوسف الهاشمی تبریزی. الاحقر عبدالرسول قائمی آبادانی. الاحقر عبدالجواد همایون‌شهری. حسن الحسینی الیزدی شیرازی. محمدجعفر طاهری شیرازی. الاحقر علی آقا یقطینی شیرازی. الاحقر سید احمد خسروشاهی تبریزی. محمد حسن التجفی الرفسنجانی. الاحقر محمد الموسوی الشمس آبادی اصفهانی. محمدهاشمیان. الاحقر حسین گوگانی تبریزی. الاحقر الفانی محمدتقی مراغه‌ای. الاحقر سید احمد پیشوا کازرونی. الاحقر السید عبدالله موسوی شبستری. الاحقر رفیع مدرس تبریزی بستان آبادی. الاحقر محمد الصدوق الیزدی. الاحقر احمد امینی مراغه‌ای. العبد مجتبی العراقی. سید مهدی یثربی کاشانی. حسینعلی منتظری نجف آبادی. ابراهیم امینی نجف آبادی.

... و در جریان نهضت، پس از دستگیری آیت الله سید احمد خسروشاهی، آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی، آیت الله سید مهدی دروازه‌ای



گروهی از اساتید و نخبگان شرکت کننده در کنفرانس بین المللی «اندیشه جهانی اقبال» - در اسلامبول. به دعوت آقای رجب طیب اردوغان. (شهردار استانبول ۱۳۷۴)



تیتیر مصاحبه آیت الله گوگانی در ترکیه

و انتقال آنها به زندان «قزل قلعه» تهران، وقتی به سراغ آیت الله گوگانی می‌روند، او از درب دیگر منزل که به کوچه دیگری باز می‌شد خارج می‌شود و شبانه با اتوبوس، عازم تهران می‌گردد و در این شهر، در کنار روحانیت مبارز مرکز قرار می‌گیرد و به موازات آن به تدریس در مراکز فرهنگی، به ویژه «مدرسه شیخ عبدالحسین». واقع در بازار تهران. اشتغال می‌یابد... و در مراحل بعد با تدریس در دانشگاه‌ها، خدمات فرهنگی را ادامه می‌دهد.

... در این دوران، سفرهای متعددی همراه ایشان به بعضی از کشورهای اسلامی و اروپایی از جمله: ترکیه، بلغارستان، اتریش، آلمان، فرانسه، انگلیس و... داشتیم که به دعوت بعضی از انجمن‌های اسلامی دانشجویان در نشست‌ها و همایش‌های آنها شرکت داشتیم و آیت الله گوگانی هم به ایراد سخنرانی و پاسخگویی به پرسش‌های حضار و دانشجویان می‌پرداخت. در

در روز بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، فرمانی ۸ ماده‌ای خطاب به قوه قضاییه و ارگان‌های اجرایی کشور صادر کردند که این فرمان در زمینه حقوق خصوصی، حقوق بشر و حقوق شهروندی آحاد مردم در مقابل حکومت و قدرت دولتمردان و عوامل اجرایی حوزه نظام و انتظام بود. این فرمان یکی از ارزنده‌ترین یادگارهای امام خمینی است که نشان دهنده بینش عمیق و اعتقاد قلبی آن فقیه نواندیش به حقوق و کرامت انسان هاست. فرمانی که به عنوان «منشور کرامت انسان» شناخته می‌شود و در تمامی موارد به محترم شمردن حقوق افراد و رعایت ضوابط قانونی در برخورد با حقوق شرعی-مدنی مردم تاکید دارد.

متن کامل این فرمان به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی بویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند:

۱- تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در راس سایر مصوبات قرار گیرد، که کار قوه قضاییه به تاخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در راس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور، شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیهایی جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و موثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین

از بعض لغزشهایی که در رژیم سابق داشته‌اند، مگر آنکه با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

۳. آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پراهمیت خود ادامه دهند. و مامورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴. هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵. هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶. هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانان نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی

به مناسبت سالروز صدور فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی

منشور کرامت انسان

از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷. آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستانها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مامورین باید خارج از حدود ماموریت که آن هم منحصراًست به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند.

و موکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن ماموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه

چرا باید به جلال بازگردیم؟



روشنفکر کیست؟ و در ادامه به مقایسه اصناف و انواع روشنفکرها و کسانی که فرهنگی کار هستند، می‌پردازد و حتی نظامیان را هم مدنظر قرار می‌دهد و با روحانیون مقایسه می‌کند.

بنابراین، آل احمد هیچگاه در خدمت نوعی سنت‌گرایی و بنیادگرایی نبوده است تا آنجا که حتی در واپسین کارهایش، خود را به عنوان روشنفکر به معنی واقعی کلمه زیر سؤال می‌برد و می‌کوشد مستقل، آزاد و نقاد نسبت به نقش یک روشنفکر ببیند. بنابراین، منظور از بازگشت به جلال در واقع بازگشت به یک تیپولوژی از روشنفکر است که آل احمد یکی از نمودهای آن است؛ یعنی، مسئولیت، تعهد، دغدغه‌مندی، پرسشگری، بی‌قراری و دردمندی. صداقت، شجاعت و جسارتی که آل احمد در شکستن تابوها و نترسیدن از قضاوت دیگران دارد، تحسین‌برانگیز است و انزوایی که به آن دچار شده نیز ناشی از همین شجاعت اخلاقی او است که توانسته ببیند و پرسش کند. هنگامی که برایش مسأله‌ای مطرح می‌شد، آن را علنی طرح می‌کرد و لو اینکه آن مسأله متناقض، سطحی یا خودستیز بوده

با گزارش‌های سفر و ترجمه‌هایی که با کمک دیگران انجام می‌داد شناخته شد. اما در نهایت با کتاب «غربزدگی» است که به عرصه اندیشگی و تحلیل نظری قدم می‌گذارد و بویژه در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» است که پخته‌تر می‌شود.

در «غربزدگی» هنوز حالت ساده‌تر و سطحی‌تری که متناقض دیده می‌شد، به چشم می‌خورد اما در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» پژوهشی صورت می‌دهد و ضامی دارد که از یک تکامل، تحول و سیر فکری در او خبر می‌دهد و بر خلاف برداشت‌های منفی‌ای که از کتاب «غربزدگی» شده است باید گفت که اساساً کار روشنفکر همین است که به طرح پرسش‌های اساسی ولو شوک‌آور بپردازد و او نیز از این سبک استفاده کرده است.

در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» جلال می‌کوشد تا در مفهوم نقش روشنفکری‌اش بازاندیشی کند و منظور او اصلاً این نیست که خیانت را به روشنفکران نسبت دهد بلکه می‌کوشد بیان کند روشنفکر چگونه می‌تواند خدمت کند و اساساً

نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸. جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، و جناب آقای نخست‌وزیر موظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند. و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداریها و فرمانداری‌ها و بخشداریه‌های محلی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مامورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیات‌ها ارجاع نمایند و هیات‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم، و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تایید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای خواسته به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تایید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - متصل فرماید «آئه قریب مجیب». والسلام علی عباد الله الصالحین.

روح‌الله الموسوی الخمینی
(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹-۱۴۳)

باشد؛ برای مثال، منتسب کردن او به سنت‌گرایی یا تأثیر او در هموار کردن زمینه‌ها و جریان‌های سنت‌گرایی به خاطر گفتن چند جمله‌ای است که آل احمد در مورد شیخ فضل‌الله نوری گفته و نوشته است.

آل احمد یک چهره بی‌قرار، صاف، ساده و پویا است که با وجود تناقض‌هایی که در تحلیل‌هایش دارد، همواره به دنبال پژوهش و طرح سؤال است و همواره ما را به فکر وامی‌دارد. این خود، اگر درست نقادی و حلاجی شود نشانگر گام تازه‌ای در راه اندیشیدن است اما با این حال، کار آل احمد هیچگاه به شکل جدی و همه‌جانبه خوانده نشده است و من کمتر دیدم نقدهای جامعی از کل کار او ارائه شود و امید دارم که بزودی این امر محقق شود.

*مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده ایران از سخنرانی دکتر احسان شریعتی است که با عنوان «بازگشت به جلال: از داستان تافتکر» ۲۷ آذر ماه، در تالار کمال دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ارائه شد.

دکتر احسان شریعتی
استاد فلسفه

بحث‌ها درباره جلال به‌طور معمول با تعریف آغاز و با انتقاد پایان می‌یابد اما من می‌خواهم در این گفتار، برعکس با انتقاد از جلال شروع کنم و با تمجید او، بحث را خاتمه دهم. معتقدم «غربزدگی» در آثار آل احمد از یک شتابزدگی و گاهی برخورد واکنشی، سطحی و متناقض رنج می‌برد که طبیعتاً مورد نقد هرکسی که اهل پژوهش باشد، قرار خواهد گرفت. اما با وجود این خصوصیات منفی که فارغ از آل احمد در بسیاری از روشنفکران ما بوده و هست، آن چیزی که آل احمد را ویژه می‌کند، سبک ادبی او است که در تاریخ ادبیات ایران در یک دوره‌ای یگانه بود؛ همچنان که صادق هدایت آغازگر این راه در عصر جدید بود. بنابراین، آل احمد هم مانند صادق هدایت نماد دوره‌ای در ادوار ادبیات ایران است اما مهم‌تر از این، خود تیپ و سنخ آل احمد است که از میان تمام روشنفکران ایرانی، او را متمایز می‌کند، روشنفکری که مدام در همه صحنه‌های مختلف جامعه و سیاست حضور دارد.

در یک کلام، ویژگی اندیشه‌سیاسی آل احمد، «بومی بودن» و «ملی بودن» روشنفکری او است. در آغاز آل احمد بیشتر با داستان‌ها و نوول‌ها و کارهای ادبی‌اش شناخته می‌شد، بعد

نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی:

مودت به پیامبران نقطه اشتراک اهل سنت و تشیع است

حجت الاسلام سیدمهدی قریشی در همایش نسل نور که با حضور روحانیون، ائمه جمعه و اساتید اهل سنت و تشیع برگزار شد، اظهار داشت: احترام به نسل پیامبر اکرم (ص) در آیات و روایات مختلف تاکید شده است لذا از نظر شرعی و منطقی باید به پیامبران و سادات احترام قائل شویم.

وی افزود: از وجود مقدس پیامبر مکرم اسلام نور اعتقاد، ایمان و معنویت ساطع می شد و ذریه پیامبر که سادات هستند نسل این نور هستند.

نماینده مردم آذربایجان غربی در مجلس خبرگان رهبری هم در این همایش گفت: پروردگار متعال محبت و دوستی اهل بیت را اجر رسالت قرار داده و ما را به دوستی و مودت دعوت می کند. آیت الله سیدعلی اکبر قریشی افزود: از اهل سنت نیز فتوا داده اند که بغض اهل بیت کفر است.

وی با اشاره به آیه «انا اعطیناک الکوثر» اضافه کرد: منظور از کوثر کثرت زیاد از حادثه که در حال حاضر تعداد مسلمانان در جهان پیشی گرفته است و این کثرت نسل پیامبر اکرم (ص) از معجزات است. قریشی یادآور شد: تعداد سادات در قرون پیش حدود ۹ میلیون نفر بود که در حال حاضر قریب ۵۰ میلیون نفر است.

نماینده مردم آذربایجان غربی در مجلس خبرگان رهبری، برگزاری چنین همایش هایی را نشانه اتحاد و وحدت بین اهل تشیع و تسنن استان ذکر و اضافه کرد: با برگزاری چنین تجمعاتی میزان شناخت افزایش و اختلافات کاهش می یابد.

وی در ادامه سخنان خود تاکید کرد: مسلمانان باید طبق شریعت اسلام عمل کنند.

مسوول دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت آذربایجان غربی هم در این همایش گفت: احترام به سادات یکی از اشتراکات اهل سنت و تشیع است.

حجت الاسلام والمسلمین عسگر فعال آذر گفت: در مسئله وحدت باید مشترکات مورد توجه قرار گیرد. وی افزود: سادات به دلیل اینکه به تبار ذریه پیامبر اکرم (ص) منتسب هستند شایسته احترام هستند. فعال آذر اضافه کرد: احترام به اولاد انبیا خاص اسلام نیست و در تمام ادیان الهی این اصل مهم حاکم و جاریست.

پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی می آیند و کتاب را خدمت آنها می دهیم، تحسین می کند.

● **توجه به قرآن و تقریب مذاهب دو مقوله پررنگ در زندگی پرتنوع مردم آذربایجان غربی است.**

استاد واعظ زاده خراسانی پرحمدرام مسئله تقریب بین مذاهب اسلامی بودند و در بسیاری از جلسات که با ما یا علمای اهل سنت داشتند، حدیث ثقلین را مطرح کرده و از استادشان آیت الله بروجردی نقل می کردند ما به جای اینکه درباره مسئله خلافت که موجب تفرقه می شود، بحث و استدلال کنیم، روی مسئله مرجعیت علمی ائمه اطهار (ع) تمرکز داشته باشیم. حدیث شریف ثقلین مورد قبول شیعه و سنی است، لذا در کتاب المعجم از مسائل موجب اختلاف پرهیز شده و ما سعی کردیم مطالب دو طرف در این کتاب گفته شود، ۹۹ درصد این کتاب مطالب تفسیری است که هم شیعه و هم سنی قبول دارد و هیچ اختلافی نیز در آن نیست و آن یک درصدی که مورد اختلاف در مسائل عقیدتی و خلافت است، بدون توهین از دو طرف نقل شده است.

آیت الله اراکی:

مردم به پیمان خود با شهدا پایدار هستند

طاغوتیان نتوانسته اند هویت حسینی را از جامعه اسلامی جدا کنند.

وی با بیان اینکه دشمنان از روش ها و امکانات مختلف برای سرکوب هویت حسینی استفاده کرده اند، مطرح کرد: حوزه های علمیه و روحانیت همیشه پاسدار هویت دینی و اسلامی بودند و مهم ترین وظیفه روحانیت پاسداری از هویت تسلیم خدا بودن و ایستادگی در برابر دشمنان است چرا که این وظیفه، عهدی است که روحانیت با خداوند بسته است.

آیت الله اراکی با تاکید بر اینکه قلمرو هویت حسینی فقط به مرزهای ایران اسلامی محدود نمی شود، گفت: مسؤولیت پذیری، دفاع از مظلومان و مقاومت در برابر ظالم هویت روحانیت شیعی و شیعه را بیان می کند و کسی حق ندارد اعتراض کند که چرا از مقاومت اسلامی فلسطین حمایت می کنید و در برابر آمریکا می ایستید، این هویت ملت ایران است.

وی یادآور شد: ترسی از توطئه های آمریکا و استکبار نداریم چرا که به پیروزی یقین داریم؛ اینکه امروزه در توطئه ها مشاهده می کنیم که آمریکا توان خود را برای مبارزه با ایران و جریان انقلاب بکار می گیرد توان ما را بیشتر می کند چرا که در غیر این صورت نیز در هویت خود شک می کردیم.

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب:

تقریب مذاهب یادگار ارزشمند مرحوم آیت الله واعظ زاده است

زحمات این روحانی برجسته مسئله تقریب مذاهب به خوبی در جوامع اسلامی نشر و گسترش یافته است.

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب، شناخت تفکر دیگران و پیدا کردن دایره مشترکات پایه براساس قرآن کریم، گسترش دایره مشترکات از راه گفت وگویی منطقی، همکاری با دیگران (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) در زمینه های مشترک را از مراحل تقریب مذاهب دانست و گفت: تقریب به معنی یگانه شدن و یا انحلال بقیه مذاهب نیست، بلکه اگر دنبال تقریب هستیم باید نزدیک شده مذاهب را دنبال کنیم. آیت الله تسخیری با بیان اینکه برخی می گفتند تقریب در آیات و روایات وجود ندارد و با مکتب

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب گفت: تقریب مذاهب یادگار ارزشمندی از مرحوم آیت الله واعظ زاده است.

به گزارش آستان نیوز، آیت الله محمدعلی تسخیری در نخستین سالگرد بزرگداشت آیت الله واعظ زاده خراسانی که با حضور مسؤولان، اساتید حوزه علمیه و دانشگاه در سالن همایش های دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی برگزار شد، اظهار کرد: مرحوم واعظ زاده خراسانی جریان بزرگ مجمع جهانی تقریب مذاهب را راه اندازی کرد و آن را به خوبی هدایت و رهبری کرد.

وی افزود: این عالم برجسته در زمانی مسئله تقریب مذاهب را بیان کرد که بسیاری از افراد معنی تقریب را نمی دانستند، اما امروز به یمن تلاش ها و

«المعجم في فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته» جلوه اتحاد عملی و فکری بین مذاهب اسلامی

خراسانی از کتاب های مختلف فیش برداری می کردیم، ایشان نیز نظارت داشتند و گاهی فیش ها را بررسی می کردند؛ دهه ۷۰ بنا شد کتاب المعجم به رشته تحریر درآید. چندین طرح برای آن نوشته شد تا اینکه کتاب المعجم به این سبک به دستور ایشان جمع آوری و مطالب دسته بندی می شود. این کتاب دارای چهار بخش «نصوص لغویّه»، «نصوص تفسیریّه»، «الأصول اللغویّه» و «الاستعمال القرآنی» است. در بخش اول تمام متون لغت از قرن اول هجری تاکنون در مورد کلمات قرآنی، انتخاب، جمع آوری و به ترتیب تاریخ زندگی مؤلفان تنظیم شده است. بخش دوم شامل همه متون تفسیری از قرن اول هجری تا زمان معاصر به شیوه ای خاص با حذف و ارجاع مکررات می شود، سیر تحول معنایی و لغوی هر کلمه در بخش سوم مورد بررسی قرار می گیرد و بخش اساسی و خیلی مهم این کتاب بخش چهارم است که به کاربردهای متعدد الفاظ قرآنی و میزان ارتباط آن ها با یکدیگر اشاره دارد. جلد اول این کتاب در دهه ۷۰ منتشر شد و تاکنون ۳۵ جلد این کتاب آماده شده است.

● **استاد واعظ زاده خراسانی در طول روز**

در نخستین سالگرد درگذشت مرحوم آیت الله واعظ زاده خراسانی؛ پایه گذار تألیف کتاب المعجم في فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته گفت وگویی را با حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن مومن زاده؛ مدیر گروه قرآن بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی انجام شده که گزیده ای از آن را در ادامه می خوانید.

● **مشارکت شما در کتاب المعجم في فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته به چه سالی برمی گردد؟**

طلبه جوانی بودم که دی ماه سال ۶۳ به واسطه یکی از دوستان به گروه قرآن بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی دعوت شدم؛ جلد اول کتاب کشف نوشته جاراالله زمخشری به من داده شد، از این کتاب چند فیش نوشتم که مورد تأیید مرحوم آیت الله واعظ زاده خراسانی و حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی قرار گرفت و از آن زمان عضو این گروه شدم و مشارکت در کتاب المعجم في فقه لغة القرآن و سرّ بلاغته شروع شد.

● **به چگونگی شیوه تألیف این کتاب اشاره بفرمایید.**

اعضای گروه به دستور مرحوم واعظ زاده

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفائییه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۶۳۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

خصوصی پیشنهاد شده است.

مدیر فنی و اجرایی راه و شهرسازی استان زنجان خاطرنشان کرد: این واگذاری به منظور جذب سرمایه‌های خصوصی مطابق ماده ۲۷ انجام می‌شود و اسناد واگذاری این دو پروژه تهیه شده و فراخوان جذب سرمایه‌گذار به زودی اعلام می‌شود. احداث و تکمیل کتابخانه مرکزی می‌تواند علاوه بر رفع خلاهای موجود در این حوزه پاسخگوی نیازهای مخاطبان و علاقه‌مندان این بخش نیز باشد.

محمد امین صدیقی کتابدار و کارشناس امور کتاب و رسانه در این زمینه می‌گوید: سالانه ۸۰ هزار عنوان تازه های کتاب در اختیار کتابخانه های مرکزی کشور قرار می گیرد که نبود کتابخانه مرکزی دسترسی به موقع محققان و علاقه مندان به تازه‌های کتاب را عملاً ناممکن می‌کند.

کتاب «اختیار در ضرورت هستی» رونمایی شد

مراسم تجلیل از مقام علمی غلامحسین ابراهیمی دینانی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه برگزار شد. در این برنامه که به مناسبت هفته پژوهش بود، آخرین اثر ابراهیمی دینانی با عنوان «اختیار در ضرورت هستی» رونمایی شد. همچنین پنج اثر پرسش از هستی، فراز و فرود فکر فلسفی، اختیار در ضرورت هستی، من و جز من و از محسوس تا معقول مورد نقد و بررسی شاگردان ابراهیمی دینانی قرار گرفت.

آقای خسروپناه، رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه در این مراسم گفت: ابراهیمی دینانی فیلسوف حقیقت است و حقیقت بدون پرسشگری، امکانپذیر نیست و پرسش و پرسشگری جزو هویت ایشان است. وی گفت: بنده آثار دکتر دینانی را به دو دسته تقسیم می‌کنم. دسته اول شامل معرفی شخصیت‌های فکری، فیلسوفان و متفکران جهان است. مثل آثاری که راجع به سهرودی، غزالی یا خواجه نصیر نوشته شده است و انتخاب هیچ کدام از اینها تصادفی نبوده و با عقلانیت و حکمت انتخاب شده است. دسته دوم آثاری هستند که به موضوعات حکمی و فلسفی اختصاص دارند. در این آثار ابراهیمی دینانی راجع به موضوعات و چالش‌هایی که ذهن او را درگیر کرده می‌نویسد.

خسروپناه در ادامه دو خواست از ابراهیمی دینانی کرد و گفت: بنده در همین جا از استاد ابراهیمی دینانی دو خواست دارم. اول اینکه در حوزه آثار دسته اول که اشاره کردم راجع به ابن عربی و ملاصدرا هم کتاب بنویسند. خواست دوم این است که در حوزه آثار دسته دوم درباره رابطه عقل و دین و نسبت رئالیسم و ایده آلیسم بحث مبسوطی انجام دهند و با نگاه پرسشگری خود به این موضوعات بپردازد. مهم‌ترین دغدغه ابراهیمی دینانی عقلانیت است چراکه به عقیده ایشان اگر عقلانیت رشد پیدا کند معنویت هم عمق پیدا می‌کند. علاوه بر این، ایشان در طول علم علمی خود، همیشه به دنبال تأویل خود بوده است.

کتابخانه زنجان، سنگ بزرگ

کودکان، بانوان و برادران، گنجینه کتاب‌های خطی و چاپ سنگی، بخش مطالعه نابینایان، بخش مرمت کتاب‌ها و با پیش‌بینی اعتباری بالغ بر ۱۲۰ میلیارد ریال کلنگ‌زنی شد. این مهم که در راستای رویکرد فرهنگی دولت و تأکیدات مقام معظم رهبری در زمینه مقابله با جنگ نرم، رویکرد مدیریت عالی استان در پرداختن به موضوعات فرهنگی را در راستای مقابله با جنگ نرم عملی شد همچنان در غبار بی‌توجهی راكد مانده است.

پروژه کتابخانه مرکزی با وجود تمام مزیت‌هایی که برای استان دارد در حال حاضر به دلیل نبود اعتبارات متوقف شده است. مدیر کل نهاد عمومی کتابخانه‌های استان زنجان با اشاره به این موضوع افزود: به علت نبود اعتبار طرح اجرای کتابخانه مرکزی زنجان رها و متوقف شده است و در مرحله تعیین تکلیف قرار دارد. امیرعلی نیک بخش گفت: وجود این کتابخانه برای استان موهبت بزرگی بود ولی به دلیل نبود اعتبار این پروژه در دست پیگیری است تا به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. وی با اشاره به اینکه کتابخانه مرکزی یک طرح ملی و استانی است و زمین این پروژه از طرف اداره کل راه و شهرسازی به نهاد کتابخانه‌های عمومی استان زنجان اهدا شده ولی تاکنون کاری پیش نرفته است.

در ادامه تأکید کرد: نهاد عمومی کتابخانه هزینه‌ای برای احداث کتابخانه‌ها ندارد و احداث کتابخانه‌ها وظیفه نهاد عمومی کتابخانه‌ها است اما این نهاد بودجه‌ای در این زمینه ندارد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان

نمایشگاه کتاب «اندیشه»

شوند. نام خانوادگی آنها «صاحب فصول» است! برادر بزرگترش مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی . که البته اهل تهران و درواقع ورامینی تهرانی است . مؤلف «هدایه المسترشدين فی شرح معالم الدین» که شرح مبسوطی بر کتاب معالم شیخ حسن بن شهید است، به مناسبت نام اثرش به شارح محقق یا صاحب هدایه نامبردار است و فرزندان او تا چندین نسل اکثراً به «مسترشدی» معروف‌اند. همین‌طور مرحوم آخوند خراسانی را «صاحب کفایه» می‌گویند و فرزندان ایشان را نیز کفایی می‌نامند. یکی دیگر از مسائلی که از آن غافل هستیم و حتی گاه به آن حمله می‌کنیم و نقطه ضعف محققان و مؤلفان قلمداد می‌کنیم، سنت تعلیق‌زنی، حاشیه‌نگاری و شرح -نویسی به جای تألیف مستقل و تولید آثار جدید است. ممکن است بعضی از ما حتی به این روئیه نگاهی منفی داشته باشیم که چرا متن تولید نمی‌کنیم و چرا این قدر شرح -نویسی و حاشیه‌نگاری؟، چرا این قدر تعلیق‌زنی؟ و چرا از متون قدیم عبور نمی‌کنیم. باید گفت که این روشها و رفتارها یک سلسله میانی معرفتی، فرهنگی و ادبی، حقوقی و اخلاقی دارد و به نحوی ارزش‌گذاری به آثار گذشتگان و رعایت حقوق سلف قلمداد می‌شود یا رعایت اخلاق و اعتراف به حق اخلاقی «فضل تقدم» آنها است.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد تصریح کرد: امروز می‌بینیم که فرد کتاب دیگری را می‌گیرد و یک مقدار مطلب به آن اضافه می‌کند و به نام خودش چاپ می‌کند و در هیچ‌جا نیز اشاره نمی‌کند از چه منبعی استفاده کرده است، ولی در گذشته سنت به این صورت بوده که می‌گفتند صاحب اثر زحمت کشیده و مثلاً «شرايع الاسلام» را نوشته است. اولاً متن شرايع بسیار مهذب و متقن است، وقتی که محقق این کتاب را می‌نوشته این‌گونه نبوده که قلم را به دست بگیرد و همین‌طور جلو برود، بلکه روی واژه‌واژه آن فکر کرده و حتی گاهی تغییری بسیار ساده در حد جابه‌جا کردن یک حرف، مفهوم کلی متن فقهی را تغییر می‌دهد. نتیجتاً افراد دیگر

پروژه کتابخانه مرکزی زنجان به دلیل نبود اعتبارات متوقف شده و به بخش خصوصی واگذار خواهد شد و این در حالی است که تاکنون بیش از ۴۰ میلیارد ریال برای احداث این کتابخانه هزینه شده با پایان سال جاری وارد دوازدهمین سالی خواهیم شد که از زمان مطالعه و کلنگ زنی ساخت بزرگترین کتابخانه مرکزی کشور در زنجان می‌گذرد اما این پروژه بنا به دلایل مختلفی نیمه کاره رها شده است. احداث بزرگ‌ترین کتابخانه کشور، حکایت همان ضرب‌المثل «سنگ بزرگ علامت نردن است» شده است. اگر این کتابخانه در مساحت کمتری تعریف می‌شد چه بسا اکنون کار احداث آن تمام شده بود. طبق مصوبه دولت در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ مبنی بر اینکه تمامی استان‌ها باید دارای کتابخانه مرکزی باشند، استان زنجان نیز اقدام به اجرای این طرح کرده است که این اقدام نتیجه مثبتی تا به امروز نداشته است. این پروژه که از مصوبات دور اول سفر ریاست جمهوری و هیئت دولت وقت به استان زنجان بود که عملیات مطالعاتی آن سال ۱۳۸۴ توسط مشاوران سازمان مسکن و شهرسازی (مجری طرح) آغاز شده و از دی ماه ۸۸ که کلنگ ساخت بزرگ‌ترین کتابخانه مرکزی کشور با زیربنای ۱۸ هزار و ۸۵۰ مترمربع در زنجان به زمین نشست اما به گفته مدیر کل نهاد عمومی کتابخانه‌های استان تا به امروز تنها ۲۲ درصد درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

کتابخانه زنجان به عنوان بزرگ‌ترین کتابخانه مرکزی کشور از نظر زیر بنا است که در مساحتی بالغ بر يك هکتار و با پیش‌بینی سالن‌های مطالعه

نمایشگاه و فروشگاه «کتاب اندیشه» واقع در روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، عرضه‌کننده آثار انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در جمعی صمیمی با حضور آیت‌الله رشاد و جمعی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی و اصحاب نشر از جمله حجت الاسلام و المسلمین زائری و سید محمود دعایی بازگشایی شد.

آیت‌الله رشاد رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در این مراسم گفت: سنت‌های فراوانی در فرهنگ علمی مسلمانان و به‌خصوص حوزه‌های علمیه شیعی وجود دارد که بسیار معنی دارند و اگر روی آنها مطالعه جامعه شناختی، معرفت‌شناختی، اخلاقی و حقوقی دقیقی صورت گیرد، اهمیت شگرف آنها مشخص و آشکار می‌شود. برخی از این سنت‌های معرفت‌شناسانه برای درامان ماندن از آفت گسست معرفتی و یا از دسترس خارج شدن یافته‌های بزرگان است، مانند سنت تعلیق‌زنی، حاشیه‌نگاری و شرح نویسی بر آثار بزرگان و آثار فاخر، به جای تألیف مستقل و تولید آثار جدید و برخی دیگر اجتماعی- فرهنگی مانند استفاده از عنوان اثر برای نام خانوادگی به قصد نمایاندن ارزش اجتماعی و علمی اثر، بعضی دیگر اخلاقی مانند رعایت فضل تقدم مؤلفان پیشگام و پیشکشسوت و برخی حقوقی مثلاً احترام به مالکیت فکری و اجتناب از سرقت ادبی است.

وی در ادامه افزود: در گذشته سنتی در دنیای علمی حوزوی ما بوده که امروزه این سنت فرهنگی و اجتماعی عمیق و ارزشمند مغفول واقع شده است و آن اینکه گاهی یک تیره و طایفه‌ای از تبار یک مؤلف، تا چندین نسل به نام یک کتاب او نامیده می‌شدند. این سنت فرهنگی نشان از ارزش عمیق و حرمت آثار علمی دارد؛ یک اثر علمی هویت مؤلف و نسل او را می‌ساخت؛ برای مثال مؤلف «الفصول الغرویه فی الاصول الفقهی»، تألیف محمد حسین بن محمد رحیم (عبد الرحیم) ایوان کیفی ورامینی اصفهانی (متوفای بین ۱۲۵۴ تا ۱۲۶۱ قمری). خود به صاحب الفصول نامبردار شده، نسل پسری و دختری او هم به «آل صاحب فصول» شناخته می‌